

الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی (ع)

(مطالعه موردی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه)

میشم فرخی*

بتول احمدی**

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه الگوی ارتباط با مخالفان، در دوران حکومت امام علی (ع) صورت گرفته است. در این راستا خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه با روش تحلیل محتوای کیفی، تجزیه و تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از ۵ مقوله اصلی در حوزه ارتباط با مخالفان، ذیل دوران حکومت ایشان می‌باشد که شامل روشهای ارتباط امام با مخالفان، ابزارهای ارتباط امام با مخالفان، آداب ارتباط امام با مخالفان، ارزشهای اخلاقی و انسانی حاکم بر ارتباط امام با مخالفان و اهداف ارتباط امام با مخالفان می‌باشد. امام علی (ع) از روشهایی مانند خطابه، موعظه، جدال احسن، استدلال (برهان) و نامه در راستای ارتباط با مخالفان استفاده می‌کردند. ایشان جهت برقراری ارتباط با مخالفان ابزارهایی شامل بیم و ترس، تشویق، تهدید، عبرت از گذشته و پیشینیان، سؤال از مخاطب، مقایسه را به کار می‌بستند. همچنین در راستای آداب ارتباط امام با ایشان، محورهایی شامل صبر و مدارا و برخورد قاطع را مدنظر داشتند و ارزشهایی مانند خیرخواهی نسبت به مخالفان، حفظ حرمت و تکریم مخالفان و اخلاق مداری را به مثابه ی ارزشهای اخلاقی و انسانی حاکم بر ارتباط با مخالفان مدنظر قرار می‌دادند. امام علی (ع) همچنین هدایت گمراهان به سوی حق و صلح و آشتی را از جمله اهداف ارتباط خود با مخالفان عنوان نموده‌اند. در واقع امام علی (ع) با استفاده از روش‌ها و ابزارهای ارتباطی مذکور، ضمن تقید و پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی، در کنار حفظ حرمت مخالفان، با هدفی خیرخواهانه و در

* استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده رفاه تهران (نویسنده مسئول)، mfarokhi65@gmail.com

** کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه سوره، b.ahmadi23465@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۹

جهت برقراری صلح و آشتی با مخالفان ارتباط برقرار می‌کردند. هدف غایی و مطلوب امام علی(ع) هدایت گمراهان به سوی حق بوده است.

کلیدواژه‌ها: الگو، ارتباط، مخاطب، امام علی(ع)

۱. مقدمه

اساساً ارتباط، جزء جدایی‌ناپذیر جامعه بشری است و تمام مرادفات بشر، بر پایه ارتباطات استوار است. وقتی از ارتباط سخن به میان می‌آید، ناگزیر اجزاء و عناصر ارتباطی به ذهن متبادر می‌گردد. ارتباط، حداقل به سه عنصر نیاز دارد که عبارتند از منبع، پیام و مقصد. (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۰۲). بنابراین یکی از عناصر مهم ارتباط، مقصد یا همان مخاطب پیام است. مهم از آن جهت که اگر مخاطبی نباشد که پیام را دریافت کند، ارتباطی صورت نمی‌گیرد. ممکن است در ارتباط با دیگران، مخاطبانی موافق و یا مخالف با عقاید و تفکرات فرستنده پیام باشند. اینکه با هر کدام از ایشان چطور باید رفتار شود و چگونه ارتباط برقرار کرد، جای تأمل دارد. در تمام دوران و اعصار، همواره حکومتها با مخالفانی روبرو بوده‌اند که دارای تفکرات متفاوت بوده و به انحاء مختلف سعی در ایجاد تفرقه افکنی و کارشکنی داشته‌اند و هر حکومتی، فراخور حال خود با مخالفانش رفتار نموده است. اینکه قطعاً باید با مخالفان برخورد نمود، امری آشکار است ولی اینکه در برابر آنها باید چه الگوی ارتباطی را در پیش گرفت، اهمیت دارد.

انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگو طلب و الگو پذیر است و هر قدر نمونه و الگوی ارائه شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره مند باشد، این روش کارایی بیشتری دارد. (دلشادتهرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۳). از این رو اساساً همه انسانها در انجام دادن هرکاری تلاش می‌کنند از فرد یا افرادی که از هر نظر ایده آل و شایسته است الگو بگیرند. بنابراین با توجه به اینکه کشور ما، کشوری اسلامی - شیعی است، امام علی(ع) اولین پیشوای مسلمانان می‌تواند الگوی شایسته‌ای در این خصوص باشند.

از ویژگیهای حکومت علوی این بوده است که با گروه‌های مختلفی از مخالفان در دوران حکومت کوتاه خویش روبرو بوده است. امام علی(ع) در راه خدا و در راه اهداف مقدّسی که داشتند از هیچ‌کسی بیم نداشتند و مصداق این آیه شریفه بودند که: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند از نکوهش و ملامت احدی باکی ندارند (مائده، ۵۴). مسلّم است انسانی که صرفاً رضایت خداوند را

در نظر بگیرد مخالفانی پیدا خواهد کرد که تاب تحمل عدالت و انصاف او را، به دلیل اینکه مغایر با هدف حرص و طمع و بلند پروازیشان است، ندارد.

در هر صورت امام علی(ع) برای حفظ آرامش و امنیت جامعه اسلامی بایستی با مخالفان برخورد می‌کردند، از طرفی دیگر در نگرش امام علی(ع)، مخالف، انسان است و تکریم و حفظ ارزشهای انسانی بر همگان لازم است. بر اساس عناصر ارتباطی که پیشتر گفته شد (منبع، پیام و مقصد)، اینکه امام علی(ع) به عنوان منبع ارتباطی به چه صورت با مخالفان ارتباط برقرار می‌کردند، برای نیل به الگوی ارتباط امام علی(ع) با مخالفان ضروری می‌نماید.

این پژوهش بر آن است که با استفاده از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه که در مورد مخالفان امام علی(ع) است، به الگوی ارتباط امام علی(ع) با مخالفان خود در دوران حکومتشان نائل گردد

۲. پیشینه پژوهش

در راستای این مقاله، پژوهش‌هایی که با موضوع پژوهش مذکور قرابت دارند را می‌توان به اوایلق (۱۳۹۲) تحت عنوان «الگوی ارتباطات کلامی انسان با انسان در نهج البلاغه» اشاره نمود که نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نگاه نهج البلاغه، هدف، در ارتباطات کلامی به طور اخص، و ارتباطات انسانی به طور اعم، در درجه اول، نه تحت تأثیر قرار دادن، بلکه «اقناع دیگران» است. این مدل همچنین نشان می‌دهد که ارتباطات کلامی فرد، مبتنی بر جهان بینی فرد و مبتنی بر هستی‌شناسی فرد از عالم است. در نهج البلاغه عنصر «پیام»، یک عنصر خنثی و فارغ از ارزش تصور نمی‌شود؛ بلکه بر اساس ملاک‌های چهارگانه (قصد درونی، سودمندی، تطابق با واقعیت و تناسب با موقعیت) ارزش سنجی می‌شود. همچنین مقدسی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مؤلفه‌های ارتباطات دینی در متون اسلامی مورد پژوهی قرآن کریم و نهج البلاغه» در صدد یافتن مؤلفه‌های ارتباطات دینی در متون اسلامی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، در برقراری ارتباط علاوه بر جلب توجه مخاطب، حقیقت‌گویی و مستند بودن از اهمیت بالایی برخوردار است و همچنین صراحت، در انتقال پیام باید اصلی‌ترین ویژگی ارتباطگر باشد. مهم‌ترین ملاحظاتی که کارگزار ارتباط دینی باید داشته باشد، پرهیز از بدعت، تحریف، التقاط و پرهیز از تحلیل‌های غلط است. همین‌طور استفاده از موعظه، انذار، و ارائه یک نمونه عینی، بهترین

روش در نحوه عرضه و ارائه پیام است. اسلامی نصرت آبادی (۱۳۹۰) نیز در اثر خود با عنوان «اصول و مهارت‌های روابط انسانی در نهج البلاغه» که به روش نظری و تحلیلی صورت گرفته، اصول روابط انسانی در نهج البلاغه را شامل مواردی مانند اصل رابطه با خدا، اصل توأصل، اصل رعایت حقوق، اصل عزت، اصل خوش بینی، اصل محبت، اصل صداقت، اصل رفق و مدارا، اصل رعایت اهم و مهم، اصل حفظ حدود می‌داند همچنین، مهارت‌های روابط انسانی در نهج البلاغه به دو بخش مهارت‌های کلامی و غیرکلامی تقسیم شده است، که مهارت‌های غیرکلامی موارد انصاف، گره‌گشایی، حرمت‌داری، خیرخواهی، نصیحت‌کردن، هماهنگی با مردم، گشاده‌رویی، تواضع، گشاده‌دستی، توجه به بازخورد، قدرشناسی، اعتدال و عیب‌پوشی را شامل می‌شود و مهارت‌های کلامی اهمیت کلام در روابط، مراقبت از کلام، کم‌گویی و بجا‌گویی را در برمی‌گیرد.

شاکله ظاهری پژوهش‌های مذکور با پژوهش حاضر، قرابت و همخوانی دارد. از آن جمله اینکه اکثر پژوهش‌های مذکور از دید ارتباطی با حوزه مختلف این دانش به موضوع نگریسته‌اند و در اکثر آنها جامعه آماری، کتاب ارزشمند نهج البلاغه است. هر کدام از پژوهش‌ها در صدد دستیابی به یک الگو و یا مدل ارتباطی در کتب دینی و یا به طور اخص نهج البلاغه هستند و یا اینکه فقط به یک عنصر ارتباطی (مخاطب) پرداخته‌اند. اما آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند، استخراج الگوی ارتباطی با تاکید بر یک قشر خاص از مخاطبان (حوزه‌ی مخالفان امام علی) می‌باشد. به این معنا که با وجود گستردگی انواع مخاطبان در نهج البلاغه، هدف این پژوهش، احصاء الگوی ارتباطی با مخالفان در زمان حکومت امام علی (ع) به روش تحلیل محتوای کیفی است

۳. مبانی نظری پژوهش

۱.۳ ارتباط

ارتباط، از واژه لاتین (munia)، به معنای خدمات، ریشه گرفته و به طور ضمنی مفاهیمی چون کمک و یاری دو طرفه و نیز تبادل و تعامل را در درون خود دارد. (حکیم آرا به نقل از میرلو، ۱۳۹۲: ۲۱۸). محسنیان راد در کتاب ارتباط‌شناسی، ارتباط را به این شکل تعریف می‌کند: فراگرد انتقال پیام از فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه درگیرنده پیام مشابه معنی، با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود. (محسنیان راد، ۱۳۸۰: ۵۷). ازاین رو

زمانی ارتباط شکل می‌گیرد که معنی فرستنده پیام با معنی گیرنده پیام مشابه باشد و در یک راستا قرار بگیرد. گیل و آدامز دو تعریف از ارتباط دارند. اولی، ارتباط را فرآیندی می‌داند که به واسطه آن ارتباطگر یا فرستنده از طریق یک رسانه یا مجرا، پیامی را با تأثیراتی معین به گیرنده می‌رساند. دومی، ارتباط را کنشی اجتماعی می‌داند که افرادی از یک فرهنگ مشخص در واکنش به تجربه خود از "واقعیت" به مبادله معانی می‌پردازند. (گیل و آدامز، ۱۳۸۴: ۱۹). جاوت و ادانل در تعریفی دیگر با تکیه بر نقش تبادل اطلاعات و نقش ابهام‌زدایی برای ارتباطات، می‌نویسند: «ارتباطات، بر اساس معاوضه اطلاعاتی ایجاد می‌شود که معنای قصد شده و دریافت شده‌ای دارند. بعد از چندین دور معاوضه می‌توان ابهام را از بین برد. گرایش فرستنده و گیرنده حرکت به سوی یک نقطه است. به این صورت که یکی به طرف دیگری برود و یا اینکه هر دو در یک مسیر و یا کانون مشترک همراه شوند». (جاوت و ادانل، ۱۳۹۴: ۵۸).

۲.۳ عناصر ارتباط

ارتباط از مؤلفه‌ها و عناصری تشکیل شده است. این عناصر شامل منبع یا فرستنده پیام، گیرنده پیام، پیام، کانال‌های ارتباطی، واکنش یا بازخورد، است. (برکو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲). ساده‌ترین شکل ارتباط زمانی شکل می‌گیرد که حداقل سه مؤلفه منبع، پیام و مقصد وجود داشته باشند. در غیر این صورت ارتباطی شکل نخواهد گرفت.

۱.۲.۳ منبع

منبع یا فرستنده پیام، از پایه‌های اصلی ارتباط است او باید احساس کند که نیاز به ارسال پیام است و سپس برآن اساس، پیام خود را تنظیم کرده و به مخاطب برساند. بنابراین او هرگز در خلأ پیام خود را ارسال نمی‌دارد. او براساس قصد و نیتی، پیام خود را شکل می‌دهد و آن را در قالب پیام، به مقصود ارسال می‌دارد. «فرستنده پیام براساس محیط فراگیر خود که حوزه تجربی او را می‌سازد، محتوای مقصود را در ذهن خود شکل می‌دهد و پیشاپیش تأثیر آن را در ذهن خود بر روی دریافت‌کننده پیام می‌سنجد و سپس آن را در چارچوب رمزگذاری خود قرار می‌دهد و به شکل پیام ارسال می‌کند». (فرهنگی، ۱۳۸۷: ۶۱).

۲.۲.۳ پیام

یکی دیگر از عناصر ارتباط، پیام است و در واقع آن چیزی است که بین فرستنده و گیرنده رد و بدل می‌شود. برلو می‌گوید: «پیام، گزینش بسامان نمادهایی است که برای رساندن آگاهی یا اطلاع منظور گردیده است. منظور از بسامان، ترتیبی عمدی و سنجیده، و غرض از گزینش، تمیز و تبعیض یک شق از میان مجموعه بزرگتری از شقوق مختلف است.» (بلیک و هارولدسن، به نقل از برلو، ۱۳۹۰: ۲۴). پیام می‌تواند کلامی یا غیر کلامی باشد. این پیام از طریق گفتار، نوشتار یا حرکات فرستنده پیام شکل می‌گیرد. (فرهنگی، ۱۳۸۷: ۶۲)

۳.۲.۳ گیرنده یا مخاطب

زمانی که پیامی ارسال می‌شود ناگزیر باید دریافت گردد از این رو تا زمانی که مخاطب و گیرنده ای برای دریافت پیام نباشد، نباید انتظار ایجاد رابطه و به دنبال آن تأثیرگذاری را داشت. مخاطب کسی است با گرایش‌های ویژه، تجربه‌های خاص، تأثیرپذیر از عوامل گوناگون و دارای نیازها و علائق مختلف». (قاضی زاده، ۱۳۸۰: ۹۷). پس باید رمز گذار به گونه ای رمزگذاری را انجام دهد که با رمزگان مخاطب منطبق بوده و او قادر باشد به راحتی رمزگشایی کرده و در دریافت پیام، دچار کج فهمی و اختلال نگردد و در نتیجه ارتباطی مؤثر حاصل شود.

۳.۳ مخاطب‌شناسی

به اعتقاد برلو (۱۹۶۰)، ارتباطگر باید نگرش‌ها، سطح دانش، دانایی، توانایی گوش دادن، درک مطلب، پیشینه، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی مخاطب را بشناسد. این امر، بر رمزگانی که برای برقراری ارتباط بر می‌گزیند و روشی که آن را به کار می‌گیرد، تأثیر می‌گذارد. از سویی، محتوای پیام باید ربط و پیوند قابل ملاحظه ای با نیاز مخاطب داشته باشد و مسلّم بداند مخاطب یا گیرنده پیام به احتمال زیاد همه گونه موانع روانی، نگرش‌های ناسازگارانه، تعصب‌ها و خشکه اندیشی‌ها را که بتواند به کار می‌گیرد تا تلاش‌هایش را برای رساندن پیام ناکام گذارد. ارتباطگر، اگر مخاطب خود را نشناسد و از نیازها و استعدادهای وی آگاهی نداشته باشد، بی تردید در رسیدن به اهداف خود ناکام خواهد ماند. چنانچه برخی، چون معدن طلا از استعدادهای بالایی برخوردارند، برخی مانند معدن نقره اند و همان‌طور که انواع معادن زمین برای جامعه بشر مفید و کارسازند؛ اما بهره برداری از آنها نیاز به شناخت و

برنامه ریزی دارد. (ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۸۳). ارتباطگر یا مبلغ در ارتباط خود می‌بایست به ایمان و اعتقادات، میزان آگاهی، ظرفیت و موقعیت روانی و اجتماعی مخاطب توجه داشته باشد.

۱.۳.۳ ایمان و اعتقاد مخاطب

براین اساس انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند که، دسته اول کسانی که فطرت پاک انسانی خود را به کارهای ناشایست و خصوصاً ظلم نیالوده‌اند. اینان، از تقوای عقلی برخوردارند و ظرفیت مناسبی برای پذیرش تبلیغات سازنده دارند. دسته دوم، کسانی که فطرت انسانی خود را با کارهای ناشایست آلوده کرده‌اند و از تقوای عقلی برخوردار نیستند، اما آلودگی آنها به مرحله خطرناک و غیر قابل علاج نرسیده است. دسته سوم، کسانی هستند که آلودگی اکتسابی آنها به مرحله خطرناکی رسیده است. اینان حقایق مفید و سازنده را نمی‌توانند بپذیرند و دیگر قابل هدایت نیستند. ولی با این حال مبلغ با آنها اتمام حجت می‌کند تا بعداً بهانه‌ای نداشته باشند. (ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

۲.۳.۳ میزان آگاهی و عقل مخاطب

از آنجایی که انسان‌ها از نظر ویژگی‌های فردی، مانند: سن، جنس و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر متفاوتند، به همان میزان در درک، فهم و دریافت پیام نیز با یکدیگر تفاوت دارند. ارتباطگر دانا و بصیر می‌بایست این تفاوتها را درک نموده و پیام‌های خود را متناسب با میزان درک مخاطب تنظیم کند. یا به عبارتی دیگر، مبلغ باید با هر انسانی متناسب با مقتضای حال او سخن بگوید و چیزی را از او بخواهد که توان انجام آن را داشته باشد. (قرائتی، ۱۳۷۷: ۵۵)

۳.۳.۳ ظرفیت مخاطب

مبلغ، باید همواره ظرفیت فکری و کشش اعتقادی مخاطب را در نظر بگیرد و هیچ‌گاه مطلبی را فراتر از محدوده توان او، مطرح نسازد. در غیر این صورت علاوه بر خشی شدن تبلیغ نسبت به مخاطب، پیام نیز ضایع می‌شود. (الهامی نیا، بی تا: ۱۳۰). امام صادق(ع) در رابطه با ضرورت توجه به ظرفیت مخاطب می‌فرماید: هرگاه کسی را در ایمان یک درجه پایین‌تر از خویش دیدی، او را با ملایمت به سوی خود بالا بکش و چیزی که طاقت ندارد، بر او تحمیل نکن؛ که او را خردخواهی کرد. (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۵).

۴.۳.۳ موقعیت روانی و اجتماعی مخاطب

موضوع مهم دیگری که مبلّغ باید مد نظر داشته باشد، موقعیت مخاطبان از نظر روانی و اجتماعی است. به همین دلیل، مبلّغ باید تا حدّ زیادی روان شناس و جامعه شناس باشد تا بتواند از این دو زاویه مخاطب را بشناسد و متناسب با وضعیت روحی و اجتماعی اش با او روبرو شود. (الهامی نیا، بی تا: ۱۳۵). بنابراین موفقیت پیام رسان مستلزم شناخت دقیق از مخاطب است که با استفاده از شناخت خود، دست به تبلیغ و برقراری ارتباط بزند.

۴ روش پژوهش

تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از راه فرآیندهای طبقه بندی نظام مند، کد بندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۰). Grove و Burns نیز تحلیل محتوا را از جمله روش‌های تحلیل کیفی می‌دانند که به منظور طبقه بندی کلمات و واژه‌های موجود در متن انجام می‌شود. این طبقات به دلیل اهمیت کلمات، در ایجاد نظریه شکل می‌گیرند (Burns & Grove; 2007:597) آنچه در پژوهش کیفی مهم است تأکید بر کلی نگری، حرکت از مشاهده جزئیات رفتار و الگوسازی آن به سوی نظریه سازی، منطق استقرایی، طبیعت گرایی و توجه به تأیید پذیری پدیده‌های اجتماعی است. (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۲۱). وقتی گفته می‌شود که تحلیل محتوای کیفی استقرایی است، یعنی مبتنی بر بررسی و استنتاج موضوع‌ها و تم‌ها از داده‌های خام است که گاه به طرح نظریه می‌انجامد و معمولاً انتخاب هدفمند مواردی است که بازتاباننده پرسش‌های پژوهش است. (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۲۲). به تعبیر دیگر، مسیر حرکت در تحلیل محتوای کیفی، عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات، و سپس ایجاد مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی است (Elo & Kingas, 2007:107).

۱.۴ مراحل تحلیل محتوای کیفی

- تعریف واحد تحلیل: بر اساس نظر کریپندورف (۲۰۰۴)، پژوهشگر باید واحدهای تحلیل را اعم از کلمه، جمله، پاراگراف، مقاله، خبر و... را تعیین کند.
- کاهش داده‌ها: منظور از این مرحله حذف متون همانند و کنار گذاشتن موارد تکراری است.

- استفاده از نظام مقوله بندی: لازم است پژوهشگر با استفاده از دو روش استقرایی و قیاسی به توسعه نظام مقوله بندی خود بپردازد چرا که هسته اصلی در تحلیل محتوای کیفی، ایجاد مقولات و طبقات است. بر اساس نظر کریپندورف، مقولات یا طبقات باید جامع، فراگیر و مانع الجمع باشند به این معنا که هیچ داده ای نباید به دلیل آن که در یک طبقه خاص جای نمی گیرد حذف شود و نیز هیچ داده ای نباید بین دو طبقه یا در بیش از یک طبقه قرار گیرد (Krippendorff, 2004: 80-82).

- اصلاح نظام مقوله بندی بر اساس داده ها: پس از تعیین مقولات بر اساس داده های تحقیق، پژوهشگر باید نظام مقوله بندی را اصلاح و در صورت نیاز، برخی مقولات را حذف و تعدادی دیگر را اضافه کند.

- ارائه گزارشی از داده های کیفی: در مرحله پایانی با توجه به داده های موجود باید گزارشی تهیه و ارائه شود. در این زمینه لازم است محتوای مقولات توصیف شوند.

در این پژوهش، واحد تحلیل، کلیه خطبه ها و نامه های نهج البلاغه است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در رابطه با مخالفان می باشد. پس از استخراج داده ها، مفاهیم و جان مایه داده ها در ذیل عنوان مفاهیم مرتبط جای گرفته و مقوله های فرعی از آنها استخراج گردیده است. سپس دسته بندی مقوله های فرعی با مضمون مشابه، به دسته بندی کلان و جامع با عنوان مقوله های اصلی منتج شد. که در واقع مقوله های اصلی به دست آمده، الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع) را به دست می دهد.

۵. یافته های پژوهش

این پژوهش منتج به پنج مقوله اصلی گردید که در ادامه به آنها پرداخته می شود.

۱.۵ روش های ارتباط امام با مخالفان

هر ارتباطگری با انواع گوناگونی از مخاطبان سر و کار دارد، ارتباطگری موفق است که بتواند در مواقع لزوم از روشهای مختلف ارتباطی بهره گیرد. چرا که برخی افراد اهل منطق و استدلال هستند، برخی دیگر عاطفی هستند و برخی نیز اهل جدل و خیره سری هستند، که باید با هر یک از آنها نیز فراخور حالشان سخن گفت. با توجه به اینکه امام علی(ع) نیز در دوران حکومت پنج ساله شان، با طیف گوناگونی از مخالفان روبرو شدند، روش های

مختلفی را برای برقراری ارتباط با مخالفان به کار می‌بستند از آن جمله می‌توان به روش‌های خطاب، موعظه، جدال احسن و استدلال اشاره نمود. گاهی نیز با ارسال نامه به مخالف با او ارتباط می‌گرفتند. با توجه به محدودیت صفحات مقاله فقط به توضیح برخی مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها اشاره می‌شود.

موعظه که به معنای پند و اندرز است، مکرراً در ارتباطات امام علی (ع) با مخالفان دیده می‌شود. ایشان قبل از هر اقدامی، ابتدا مخالف را نصیحت می‌کردند تا به راه راست برگردند. موعظه‌هایی که امام علی (ع) در مورد معاویه داشته‌اند و به وفور صورت گرفته‌است، گواه آن است که هدف اولیه امام، جنگ و درگیری نبوده و ارشاد و هدایت مخالف، در اولویت قرار داشته‌است. در بخشی از نامه ۵۵، امام علی (ع) در موعظه معاویه این چنین می‌فرماید: « پس مهارت را به دست شیطان مده و روی به آخرت نه که راه ما و تو آن راه است». (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۲). و به این ترتیب از معاویه می‌خواهند دست از پیروی شیطان برداشته و روی به خدا و آخرت بیاورد. و در خطبه ۱۲۵ نیز، امام علی (ع) خطاب به خوارج می‌فرماید:

همانا فاضلترین مردم نزد خدا کسی است که کار حق را از باطل دوست تر دارد، هر چند کار حق از قدر او بکاهد، و او را بیازارد. و باطل بدو سود رساند و رتبت او را بالاتربرد. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

بدین ترتیب علی‌رغم اینکه خوارج، با تعصبات بیجا، ضربه‌های زیادی وارد می‌کردند، اما امام علی (ع)، به موعظه ایشان می‌پرداختند، بلکه به حق بپیوندند.

یکی دیگر از روش‌های ارتباط با مخالفان، جدال احسن است. امام علی (ع) با استفاده از باورها و آنچه که مخالف به آن اعتقاد دارد، با او بحث کرده و به وسیله همان اعتقادات مخالف، او را محکوم می‌کنند. به گونه‌ای که مخالف، قادر به پاسخگویی نیست. به عنوان مثال، در نامه ۶ که خطاب به معاویه است، امام علی (ع) آورده‌اند:

مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند، هم بدانسان بیعت مرا پذیرفتند. پس کسی که حاضر است نتواند دیگری را خلیفه گیرد، و آن که غایب است نتواند کرده حاضران را نپذیرد. شورا از آن مهاجران است و انصار، پس اگر گرد مردی فراهم گردیدند و او را امام خود نامیدند، خوشنودی خدا را خریدند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۷۴).

در اینجا، با عنایت به اینکه معاویه، شیوه به خلافت رسیدن خلفای پیشین را تأیید کرده بود، امام علی (ع) نیز به پیروی از همان تأییدات معاویه، و در جهت موافقت با آن، شیوه به خلافت رسیدن خویش را نیز موجه می خوانند. هر چند که شیوه به خلافت رسیدن خلفای قبل، مورد تأیید امام علی(ع) نبوده است. لازم به ذکر است که امام علی(ع) به نص صریح قرآن و یا سخن پیامبر(ص) در مورد ولایتشان پس از پیامبر(ص) اشاره نمی کنند و فقط با تکیه بر اعتقادات مخالف، پیامشان را به اثبات می رسانند. در خطبه ۴۰ نیز، امام علی(ع)، ذات شعار خوارج را که لا حکم الا لله (فرمانروایی جز خدا نیست) را می پذیرند ولی با بیان توضیح در آن رابطه، آنها را محکوم می کنند و می فرمایند:

سخنی است حق، که بدان باطلی را خواهند. آری، حکم جز از آن خدا نیست لیکن اینان گویند فرمانروایی را، جز خدا روا نیست؛ حالی که مردم را حاکمی باید نیکو کردار یا تبه کار، تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند، و کافر بهره خود برد، تا آن گاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند، و با دشمنان پیکار کنند و راهها را ایمن سازند، و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکو کردار، روز به آسودگی به شب رساند، و از گزند تبهکار در امان ماند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۹).

بهره گیری از برهان و آوردن استدلال در برابر مخالفان، از روش های ارتباطی امام علی(ع) در ارتباط با مخالفان بوده است. در خطبه ها و نامه های نهج البلاغه، مشاهده می شود که امام بر اساس شرایط، هم از پیام هایی با استدلال کمتر و هم از پیام هایی با استدلال بیشتر استفاده نموده اند. برای نمونه، امام علی(ع) در نامه ۶۴، خطاب به معاویه می فرماید:

فراوان درباره کشندگان عثمان سخن راندی پس آنچه را مردم پذیرفته اند قبول دار. سپس داوری آنان را به من واگذار تا تو و آنان را به پذیرفتن کتاب خدای تعالی ملزم گردانم. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۹).

امام در اینجا معاویه را ملزم می کنند که ابتدا باید با ایشان بیعت کرده و ایشان را به عنوان خلیفه، قبول کنند و پس از آن چگونگی برخورد با قاتلان عثمان با خلیفه است نه با معاویه. و یا در خطبه ۲۲ درباره اتهامی که به ایشان در مورد قتل عثمان می زند با استفاده از پیام هایی با استدلال بیشتر، اتهام را رد می کنند. ایشان می فرمایند:

اگر در این کار با ایشان انباز بوده ام، آنان نیز گناهکارند، و اگر تنها کرده اند به کیفر آن گرفتارند. خود گناه کرده اند و برمن می‌خروشند، و از مادر پستان خوشیده شیر می‌دوشند؛ و برای زنده کردن بدعتی که مرده است، می‌کوشند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۲).

ارسال نامه و مکتوبات از روش های دیگر ارتباط با مخالفان است که امام، آنها را از طریق پیک و نامه رسان به مخالفان می‌رساندند و در آن با استفاده از سایر روشها و ابزارهای ارتباطی، سعی در هدایت و ارشاد مخالفان داشتند. از مجموع ۷۹ نامه ای که در نهج البلاغه گردآوری شده است، تعداد ۳۲ نامه، یا مستقیماً به مخالفان نوشته شده است و یا در نامه ای که امام علی (ع) به کارگزارانشان ارسال کرده اند به شیوه ارتباط با مخالفان نیز اشاره فرموده اند.

۲.۵ ابزارهای ارتباط امام با مخالفان

ابزارهای ارتباطی، ابزارهایی مشروع هستند که ارتباطگر برای برقراری ارتباط از آنها استفاده می‌کند. در دنیای سیاست، شعار «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» وجود دارد، که به معنای استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به هدف است و لو ابزار نامشروع. ولی زمانی که پیام حق، و الهی قرار است منتقل شود، استفاده از این ابزارها جایز نیست، چرا که نمی‌شود هدفی الهی و مشروع داشت و برای رسیدن به آن از ابزار نامشروع استفاده نمود. (الهامی‌نیا، بی تا: ۱۸۳). بنابراین رهبران الهی که هدفشان رساندن پیام حق به مخاطب است از ابزارهای مشروع نیز بهره می‌جویند، در این راستا به ابزارهایی که امام علی(ع)، برای برقراری ارتباط با مخالفان استفاده می‌کردند، اشاره می‌شود.

از جمله ابزارهایی که در خطبه ها و نامه های نهج البلاغه برای برقراری ارتباط با مخالفان یافت شد، می‌توان به استفاده از آرایه های ادبی که خود شامل، تشبیه، کنایه، استعاره و تمثیل است اشاره کرد.

۱- تشبیه: تشبیه یعنی نشان دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معنا یا قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیش از آنکه اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت مقصود است، مشروط به اینکه این همانندی به صورت استعاره تحقیقیه و استعاره بالکنایه و یا به شیوه تجرید نباشد. (تفتازانی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). امام علی (ع) از این آرایه ادبی، بسیار استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در خطبه ۹، امام علی(ع) در مورد طلحه و زبیر می‌فرمایند: «

الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع) ... ۱۳۵

چون برق درخشیدند و چون تندر خروشیدند، با این همه کاری نکردند و واپس خزیدند». (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۴). در این تشبیه، طلحه و زبیر را به رعد و برق تشبیه کرده است که صدای غرش بلندی دارند ولی کارکردش، کمتر از صدای بلندش می‌باشد. امام به این وسیله، برای نشان دادن ادعا و هیاهوی پوشالی آنها این تشبیه را به کار برده اند.

۲- کنایه: در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند. (ثروت، ۱۳۶۴: ۳). «کنایه نوعی مجاز است که ایهام دارد و این ایهام، علاوه بر اینکه به کلام عادی، رنگی از ظرافت می‌دهد، وسیله‌ای است برای ادامه سخن بی‌پرده که بیان‌شان دشوار است». (البرز، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در نامه ۶۴، امام علی(ع)، خطاب به معاویه می‌فرماید:

و یادآور شدی که من، طلحه و زبیر را به قتل رساندم و عایشه را راندم و میان کوفه و بصره ماندم. این کاری است که تو در آن نبودی پس زبانی بر تو نیاید و عذری از تو خواستن نباید. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۹).

در واقع، این جمله کنایه از عدم ارتباط این مسائل به معاویه می‌باشد. امام علی(ع) در این جمله، بدون اشاره مستقیم به معاویه و اینکه در اموری که به او ارتباط ندارد نباید دخالت کند، موضع خود را در برابر، دخالت‌های بیجای معاویه، بیان می‌دارند.

۳- استعاره: در لغت از ریشه استعار المال، گرفته شده است. یعنی از او خواست که مال را به او امانت دهد. (ابن منظور، ۱۴۱۲: ۶۱۸). دکتر میرجلال‌الدین کزازی در مورد استعاره می‌گوید: «یکی از هنرهای شاعرانه که سخنور به یاری آن می‌کوشد تا سخن خود را هرچه بیشتر در ذهن مخاطب جایگیر کند استعاره است. از این رو استعاره، دامی است تنگتر و نهان‌تر از تشبیه که برای خواننده گسترده می‌شود. (کزازی، ۱۳۸۵: ۹۴). استفاده از استعاره نیز در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه دیده می‌شود. در نامه ۲۸ امام علی(ع) از استعاره استفاده کرده اند و می‌فرمایند:

من با لشکری از مهاجران و انصار و تابعین، آنان که راهشان را به نیکویی پیمودند، به سوی تومی‌آیم، لشکری بسیار. و گرد آن به آسمان برخاسته. جامه‌های مرگ بر تن ایشان، و خوشترین دیدار برای آنان دیدار پروردگارشان. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

۴- تمثیل: در مورد تمثیل تعاریف متعددی آورده شده که در اینجا به تعریفی از جلال‌الدین همایی درباره تمثیل بسنده می‌شود. «تمثیل، آن است که عبارت نظم یا نثر را به

جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و دربرگیرنده مطلبی حکیمانه باشد، بیارایند. گاه آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده، بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد». (همایی، ۱۳۷۰: ۲۹۹). استفاده از مثل، در برقراری ارتباط، به خصوص برای افرادی که فهم و درک پایین تری دارند، بسیار مؤثر است و به درک درست پیام کمک می‌کند. امام علی (ع) در خطبه ۱۲۷ خطاب به خوارج می‌فرماید:

"آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است؛ چنان‌که گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

به این وسیله خوارج را به اتحاد و با اکثریت بودن، سوق می‌دهند و با بیان این مثل، هشدار می‌دهند که در صورت جدایی از دیگر مسلمانان، چه عاقبت شومی در انتظارشان است. و یا در نامه ۲۸، در پاسخ به معاویه که عنایت خداوند به خاندان پیامبر (ص) را به یاد امام علی (ع) می‌آورد، از مثلی استفاده می‌کنند که در زبان عامیانه و ضرب المثل ایرانی معادل زیره به کرمان بردن است. ایشان می‌فرمایند:

در این یادآوری چونان کسی هستی که خرما به هجر رساند یا اینکه آموزگار خود را به مسابقت خواند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، امام علی (ع) یا به صورت مستقیم به آیه‌ای از قرآن اشاره کرده‌اند تا به آن وسیله پیام خویش را مستند و محکم‌کنند و یا تلویحاً به مضمون آیه اشاره کرده‌اند. در این بخش، به آیاتی که امام علی (ع) مستقیماً به آن اشاره کرده‌اند، پرداخته می‌شود. در خطبه ۱۲۵، در مورد مسأله حکمیت، امام علی (ع) بیان می‌دارند که پذیرش حکمیت قرآن، در ذات خود، کاری پسندیده است و برای گواه و شاهد به آیه‌ای از قرآن اشاره کرده و می‌فرمایند: همانا خدای سبحان گفته است: «اگر در چیزی خصومت کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید». (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۲۳). و یا در نامه ۲۸ امام علی (ع) در پاسخ به معاویه که خود را برابر با خاندان امام و رتبه آنها می‌دانست، ابتدا پس از مقایسه بین خاندان و اصل و نسب خویش با اصل و نسب معاویه به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کنند که خداوند برخی را در خویشاوندان به برخی دیگر برتری می‌دهد. در این نامه چنین آمده است:

"پس، اسلام ما را گوش شنیده و شرافت ما را در جاهلیت دیده و کتاب خدا برای ما فراهم آرد آنچه را به ما نرسیده که خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: خویشاوندان، بعضی سزاوارترند بعض دیگر را". (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

استفاده از شعر برای تلطیف فضای ارتباطی و دوری از یکنواختی و خشکی ارتباط، کاربرد دارد که در خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) نیز دیده می‌شود برای نمونه، در نامه ۶۴ که امام علی (ع) خطاب به معاویه داشته‌اند با مرقوم کردن شعری، شجاعت و اقتدار خودشان را به رخ معاویه می‌کشاند و می‌فرمایند:

اگر من به دیدار تو آیم سزاست. که خدا مرا برانگیخته است تا از تو انتقام گیرم. و اگر تو به دیدار من آیی چنان است که شاعر اسدی گفته است که: روی به بادهای تابستانی دارند که بر آنان ریگ می‌افکنند حالی که میان زمینهای نشیب و سنگ‌های سخت اندرند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۹).

عبرت گرفتن از گذشتگان، که چه به سرنوشت شوم و یا به سرنوشت خوشی دچار گشته‌اند از دیگر ابزارهایی است که ارتباطگر با توسل به آن، به پیام‌گیر هشدار می‌دهد. در نامه ۱۰ نهج البلاغه، امام علی (ع) سرنوشت و عاقبت شوم بستگان معاویه را به او یادآور می‌شوند و می‌فرمایند:

"من ابوالحسنم! کشنده جد و دایی و برادر تو، که روز بدر بر آنان یافتم و سر آنان را شکافتم. آن شمشیر را همراه دارم و با همان، از دشمنم دمار برآرم." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۷۷).

که با یادآوری گذشته به نوعی به معاویه هشدار می‌دهند که از گذشته و عاقبتی که بستگانش به آن دچار شدند پند گیرد و به راه راست بازگردد.

استفاده از ابزار بیم دادن و ترساندن از جمله ابزارهای ارتباطی امام با مخالفان بوده است. امام علی (ع) به وفور از این روش برای هدایت مخالفان استفاده نموده‌اند، به عنوان مثال می‌توان به خطبه ۳۶، اشاره کرد که امام علی (ع) خوارج را بیم داده و می‌فرمایند:

شما را از آن می‌ترسانم که کشته در کرانه این رود افتاده باشید و در پست و بلندی‌های این مفاک افکنده. نه برهانی روشن از پروردگار داشته باشید، و نه حجّتی آشکار، آواره خانه و دیار و به دام قضا گرفتار. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۶).

در این خطبه، امام علی (ع) امکان وقوع پیامدهای ناخوشایند را برای خوارج متصور شده و آنها را بیم می‌دهند. همچنین در نامه ۳۹ که به عمرو عاص می‌نویسند او را از تسلط خویش بر او و معاویه بیم داده و همین‌طور از عاقبتشان در قیامت می‌ترسانند و می‌فرمایند: "اگر خدا مرا به تو و پسر ابوسفیان مسلط ساخت سزای کاری را که کردید بدهم، و اگر مرا عاجز کردن توانید و خود پایدار مانید، آنچه پیش روی شماست برای شما بدتر است که آن عذاب خداست." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۱۲).

در این نامه امام علی (ع)، وقوع پیامدهای منفی را در صورت نپذیرفتن پیام امام برای عمرو عاص پیش بینی می‌کنند. به طور کلی، امام علی (ع) پس از اندرز و موعظه مخالفان، ایشان را از عاقبت شومشان بیم می‌دادند، تا شاید متأثر شده و متقاعد به بازگشت گردند. البته امام از روش تشویق نیز همزمان با بیم دادن استفاده می‌کردند که در ادامه می‌آید. تشویق کردن مخالف، از جمله اقداماتی است که امام علی (ع) انجام می‌دادند تا مخالف را به سوی حق ترغیب کنند، ایشان در خطبه ۱۳ و رو به مردم بصره آنها را به جدا شدن از گناهکاران بصره تشویق می‌کنند تا مشمول رحمت پروردگار قرار گیرند چرا که بودن در میان افراد گناهکار و یا فضای گناه موجب تأثیر بر رفتار افراد شده و آنها را نیز گناهکار می‌کند. با توجه به این مسأله، امام علی (ع) می‌فرمایند:

"خاک شهر شما گنده‌ترین خاک است. نزدیک‌ترین به آب و دورترین شهرها به آسمان. و نه دهم شر و فساد نهفته در آن. آن‌که درون شهر است زندانی گناه، و آن‌که برون است، عفو خدایش پناه." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۵).

امام علی (ع)، از ابزار تهدید مخالف، پس از موعظه و نصیحت آنها استفاده می‌کردند تا شاید موجب اطاعت و تمکین آنها گردد. در نامه ۲۹ هنگامی که پیمان شکنی های مردم بصره را به آنها یاد آور می‌شوند آنها را تهدید می‌کنند در صورت تمرد، با جنگی به مراتب سخت تر از جنگ جمل روبرو خواهند شد. متن نامه این چنین است:

لیکن اگر کارهای ناروا و نادرست و اندیشه های نابخردانه سست، شما را وا دارد که راه جدایی در پیش گیرید و طاعت مرا نپذیرید، بدانید که من آماده به کار نزدیک شمایم و به یک لحظه به سروقت شما می‌آیم. اگر مرا از آمدن به سوی خود ناچار سازید، چنان جنگی آغاز کنم که جنگ جمل برابر آن بازی کودکانه بود. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۹۴).

استفاده از عواطف و احساسات مخاطب، ابزار دیگری برای تحت تأثیر قرار دادن اوست. استفاده از عباراتی که احساسات مخاطب را برانگیزد، در خطبه و نامه های نهج البلاغه دیده می شود. در خطبه ۳۱ امام علی (ع) می فرمایند:

"سر وقت زبیر رو، که خوبی نرمتر دارد؛ و بدو بگو خالزاده ات گوید: در حجاز مرا شناختی، و در عراق نرد بیگانگی باختی، چه شد که بر من تاختی؟" (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۱).

خاله زاده خطاب کردن زبیر توسط امام علی (ع)، دارای بار احساسی است که هدف از آن ایجاد رقت و نرمی قلب مخاطب، برای تأثیرگذاری بیشتر پیام بر روی اوست. و یا در نامه ۵۴، امام علی(ع) خطاب به طلحه و زبیر می فرمایند:

"پس ای دو پیرمرد (مدعی پیشگامی در اسلام)! از آنچه اندیشیده اید بازگردید که اکنون بزرگتر چیز که دامتان را گیرد عار است، و از این پس شما را هم عار است و هم آتش خشم کردگار." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

عبارت پیرمرد، که کنایه از پیشگامی و کسوت آن دو در اسلام است که امام به نوعی می خواهند با اشاره به سابقه دیرین آنها در اسلام، آنها را از پیمان شکنی و مخالفت بازدارند. امام علی(ع)، در زمانی که می دیدند موعظه و نصیحت تأثیری روی مخالفان ندارد، آنها را نفرین می کردند. در خطبه ۱۳۷، پس از اینکه پند و اندرز، روی طلحه و زبیر تأثیر نمی گذارد، شکایت آنها را پیش خدا برده و می فرمایند:

خدایا! آن دو پیوند مرا گسستند؛ بر من ستم کردند، بیعتم را شکستند، و مردم را به جنگ من فراهم آوردند. پس آنچه را بستند، بگشا! و آنچه را محکم کرده اند، پایدار مفرما! و نافرجامی آنچه آرزو کرده اند؛ و آنچه انجام دادند، به آنان بنما! (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

آن طور که ملاحظه می گردد، امام علی(ع)، زمانی که از مخالف، قطع امید کردند و موعظه سودی نبخشید، اقدام به نفرین می کنند. چرا که ملاک عمل ایشان در وهله اول، گرویدن مخالفان به حق و حقیقت و نجاتشان از گمراهی است و تمام تلاششان رسیدن به این مقصود است.

روش مقایسه، روشی است که بین حق و باطل، صورت می گیرد و در کنار هم آوردن آن دو و ثمرات و نتایج خوش حق و در مقابل، نتیجه شوم باطل که گمراهی است، در

صدد تأثیر بر مخالف است. چنانچه امام علی(ع) در نامه ۶۴ در مقام مقایسه کردن، خطاب به معاویه می‌فرماید:

"چنانکه یاد آور شدی ما و شما دوست بودیم و هم پیوند، اما دیروز میان ما و شما جدایی افکند ما ایمان آوردیم و شما به کفر گراییدید و امروز ما استواریم و شما دستخوش آزمایش گردیدید." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۹).

و باز در نامه ۷ خطاب به معاویه می‌فرماید:

آن‌که در راه خدا هجرت نمود چونان کسی نیست که رسول خدایش آزاد فرمود؛ و خاندانی را که حسبی است شایسته، همچون کسی نیست که خود را بدان خاندان بسته؛ و نه آن‌که حق با اوست، با خواهان باطل یکسان و یک ترازوست؛ و نه با ایمان درست کردار چون دروغگوی دغل کار. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۷۵).

در هر دو نامه، امام با مقایسه کردن پیشینه خویش و معاویه و همین‌طور حق طلبی خویش و باطل‌گرایی معاویه، سعی کرده اند در مقام مقایسه کردن، معاویه را واقف به جایگاه خویش نمایند.

سرزنش و ملامت نیز در میان خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه دیده می‌شود. امام علی(ع) با سرزنش خوارج، اعتقادات آنها را بی‌اساس می‌داند و به تمیز قائل نشدن بین بی‌گناه و گناهکار محکوم می‌کند و در خطبه ۱۲۷ می‌فرماید:

"شمشیر هاتان برگردن، بجا و نابجا فرود می‌آید و گناهکار را با بی‌گناه می‌آمیزد و یکی شان می‌انگارید." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۲۵)

امام علی(ع) در نامه ۶۵ نیز معاویه را خطاب قرار داده اند و با سرزنش کردن او، و اینکه راه اجدادش را دنبال می‌کند که در مسیر ناحق بوه اند، قصد دارند او را نسبت به شرایطش آگاه کرده، شاید به سوی حق برگردد. ایشان در این نامه می‌فرماید:

"راه گذشتگان را گرفتی، با دعوی‌های باطل کردن و مردمان را به فریب و دروغ به شبهت در افکندن، و رتبتی را که برتر از توست، خواهان بودن." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۵۰).

۳.۵ آداب ارتباط امام با مخالفان

اگر ارتباط‌گر بخواهد که ارتباط مؤثری داشته باشد باید آدابی را در رابطه اش در نظر داشته باشد. آماده ساختن مخاطب یا همان مقدمه و زمینه چینی، مخاطب شناسی و اینکه به

خصوصیات مخاطب آشنا باشد، صبر و مدارا در برابر مخاطب و داشتن برخورد قاطعانه به اقتضای شرایط، از جمله این آداب است.

برای اثرگذاری بیشتر پیام، نیاز است که ابتدا زمینه سازی شود و مقدمه‌ای بیان‌کرد و سپس پس از آمادگی مخاطب، محتوا و پیام اصلی را انتقال داد. امام علی (ع) به این مهم توجه داشته اند و پیش از اینکه بخواهند پیام اصلی را انتقال دهند، مقدمه چینی کرده و مخاطب را آماده می‌کردند. در نامه ۲۹، امام علی (ع) پیش از اینکه پیام اصلی که تهدید به پیکار، در صورت تمرد از فرمان ایشان هست را بیان دارند، ابتدا در قالب یادآوری عفو و بخشش خود، مردم بصره را آماده شنیدن پیام اصلی کرده اند، ایشان می‌فرمایند: چنان نیست که ندانید چگونه رشته طاعت را باز و دشمنانگی را آغاز کردید. من گناهکاران را بخشودم، و از آن‌که روی برگردانده شمشیر برداشتم، و آن را که روی آورده قبول نمودم. لیکن اگر کارهای ناروا و نادرست و اندیشه های نابخردانه سست، شما را وا دارد که راه جدایی در پیش گیرید و طاعت مرا نپذیرید، بدانید که من آماده به کار نزدیک شمایم و به یک لحظه به سروقت شما می‌آیم. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۹۴)

یکی از نکات مهم که در برقراری ارتباط باید مدنظر قرار بگیرد، شناخت کافی از مخاطب و گیرنده پیام است. از این رو شناخت و آگاهی از حالت روحی و روانی، اعتقادات و باورها، میزان ظرفیت و آگاهی و موقعیت مکانی و اجتماعی مخاطب باید در هنگام برقراری ارتباط، لحاظ شود. امام علی (ع) با توجه به مقتضیات روحی، مکانی و اجتماعی، و اعتقادات و باورهای مخالفانشان، با آنها برخورد می‌کردند. به عنوان مثال، امام علی (ع) در خطبه ۱۸۴، خطاب به برج بن مسهر که از خوارج بود می‌فرمایند:

"خاموش باش! خدایت از خوبی دورگرداند. ای دندان پیشین افتاده، به خدا حق پدید شد، و تو ناچیز بودی و آوازت آهسته؛ تا آنکه باطل بانگ برآورد، و تو سربرآوردی همانند شاخ بز، برون جسته." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

این فرمایش امام در برابر شعار لا حکم الا لله بود که توسط او داده شد، امام با توجه به شرایط مکانی و اجتماعی او و اینکه احتمال می‌رفت، این شعار موجب گمراهی سایرین شود، با او برخورد تنیدی داشتند. در نامه ۳۹ که امام علی(ع) خطابشان به عمروعاص است، ایشان با توجه به اینکه عمروعاص را فردی با استعداد می‌دانستند و پس

از مذمت رفتار و کردار او و پیروی اش از معاویه، اذعان می‌دارند که اگر به راه حق می‌پیوست، به تمام خواسته‌هایش می‌رسید. مضمون این خطبه چنین است:

تو دینت را پیرو دنیای کسی کردی که گمراهی اش آشکار است و زشتی او پدیدار. آزاد مرد را در مجلس خویش زشت می‌گویند و بردبار را به هنگام آمیزش سفیه می‌شمارد... پس دنیا و آخرت خود را به باد دادی و اگر خواهان حق بودی بر آنچه می‌خواستی دست می‌نهادی. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۱۲).

و در خطبه ۳۱ نیز، امام شرایط روحی و روانی مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهند و زمانی که ابن عباس را برای هدایت و ارشاد می‌فرستند، می‌فرمایند:

"با طلحه دیدار مکن، که گاوی را ماند شاخ‌ها راست کرده، به کار دشوار پا گذارد و آن را آسان پندارد. به سر وقت زبیر رو، که خوبی نرمتر دارد." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۱)

این خطبه نشان از اهمیت آگاهی به حالت روحی و روانی فرد، در پذیرش و یا تأثیرگذاری پیام در او دارد که امام علی (ع) به خوبی به این امر واقف بودند.

برخورد محکم و قاطعانه از جمله آداب ارتباط در برابر مخالفان است که صلابت و استواری ارتباطگر را نشان می‌دهد. امام علی (ع) در نامه ۱۷ رو به معاویه می‌فرمایند:

"اما خواستن تو شام را از من، من امروز چیزی را به تو نمی‌بخشم که دیروز از تو باز داشتم." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۸۱).

امام با قاطعیت بیان می‌کنند که همچنان بر سر حرف خود هستند و به هیچ وجه حکومت شام را به معاویه بر نمی‌گردانند. امام علی (ع) در خطبه ۲۴ نیز به برخورد قاطع و موضع محکم خویش در مقابل گمراهان اشاره کرده و اذعان می‌دارند در مقابل آنها کوتاه نخواهند آمد، ایشان در این خطبه می‌فرمایند:

"به جانم سوگند، در جنگ با کسی که در راه حق قدم نگذارد، و در گمراهی گام بردارد، سستی نپذیرم و راه نفاق پیش نگیرم." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۴).

نرمش و مدارا با مخالفان در عین قدرت، از آداب برقراری ارتباط با مخالفان است. امام با وجود اینکه توان مقابله با مخالفان را داشتند ولی با این حال هرگز در ابتدای امر و پیش از صبر و مدارا، و ارشاد و هدایت، با مخالفان وارد جنگ نمی‌شدند. در خطبه ۱۳۷، امام علی (ع) در مورد طلحه و زبیر می‌فرمایند:

الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع) ... ۱۴۳

"پیش از آغاز کشتار، از آن دو خواستم، تا دست به جنگ نکشایند. و به هنگام گیرودار انتظار بردم، لکن نعمتی را که نصیبشان شده بود نپذیرفتند و عافیت را بازگرداندند." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

امام با اینکه توان پیکار با طلحه و زبیر و لشکریانش را داشتند، ولی صبر پیشه کرده و به آنها فرصت بازگشت می دهند و هنگامی که یاران امام از آمدن جریر که برای گرفتن بیعت نزد معاویه رفته بود ناامید شدند و به امام گفتند دستور جنگ دهند، امام در خطبه ۴۳ فرمودند:

من جریر را گفته ام که تا چه مدت در شام بمان. اگر بیش از آن بماند، فریب خورده است یا نافرمان، و رأی من این است که بردبار باشیم نه شتابان. پس با نرمی و مدارا، دست به کار شوید. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۴۰).

۴.۵ ارزش های اخلاقی و انسانی حاکم بر ارتباط امام با مخالفان

امام علی(ع) در برخورد ها و رفتارهایی که با دیگران داشتند به اصول اخلاقی و ارزش های انسانی پایبند بوده اند. این تقید، نه تنها در برابر عموم مردم و یارانشان، بلکه در برابر مخالفانشان نیز نمود دارد. خیرخواهی برای مخالفان، دعا برای هدایت آنها، حفظ حرمت و تکریم مخالف، عدم تعرض به زنان و کسانی که اسیر می شدند، عدم تعرض به کسانی که به ایشان پناه می آوردند و توسل نجستن به ابزارهای غیر مشروع، برای رسیدن به خواست و هدفشان، از جمله رفتار و اعمال ایشان در قبال مخالفان بوده است.

امام علی(ع) همواره خیرخواه مخالفان بوده اند و امید هدایت آنها را داشته اند. ایشان حتی با این که امکان پیکار با مخالف را داشتند از روی خیرخواهی برای مخالفان، به آنها فرصت بازگشت می دادند. از این رو در خطبه ۱۲۵ می فرمایند:

اما سخن شما که؛ چرا میان خود و آنان برای داوری مدت نهادی؟ من این کار را کردم تا نادان خطای خود را آشکارا بداند و دانا بر عقیدت خویش استوار ماند. و اینکه شاید در این مدت که آشتی برقرار است، خدا کار این امت را سازواری دهد. و ناچار نشود با شتاب جستجوی حق را واگذارد و از آغاز به گمراهی گردن درآرد. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

از دید امام علی(ع)، مخالف هم، انسان است و تکریم، حفظ حرمت و حقوق او واجب است و همیشه کارگزارانشان را هم برای تکریم و حفظ حرمت مخالفان توصیه می‌کردند. ایشان حتی به نظر مخالفان خویش هم احترام می‌گذاشتند و به رأی آنها حتی اگر مغایر با نظرشان بود اهمیت می‌دادند. در خطبه ۳۶ می‌فرمایند:

شما را از کار حکمیت باز داشتم، و سرباز زدید. با من در افتادید و مخالفت ورزیدید. چندان که رأی خود را در کار هوای شما کردم. شما ای سبکسران، ای بی‌خردان نادان، ای ناکسان، من نه بلایی برای شما آوردم و نه زبانی برایتان خواستم. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۶).

این خطبه نشان می‌دهد، امام مخالف مسأله پذیرش حکمیت بودند ولی بنا به حفظ مصالح و احترام به نظر خوارج، با اکراه پذیرفتند. همین‌طور در خطبه ۲۰۶، حرمت مخالف را حفظ کرده و لشکریانشان را به دشنام ندادن به مخالف، توصیه می‌کنند و می‌فرمایند:

"من خوش ندارم شما دشنام گو باشید. لیکن اگر کرده‌های آنان را بازگوید، و حالشان را فریاد آرید به صواب نزدیکتر بود و در عذرخواهی رساتر." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

تقید و پایبندی به اصول اخلاقی در ارتباطات امام علی(ع)، حتی در ارتباط با مخالفانشان نیز حائز اهمیت است. ایشان در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه، تلویحاً، استفاده از هر شیوه ممکن برای نیل به اهداف را بدون در نظر گرفتن مشروعیتش رد می‌کنند و می‌فرمایند:

"به خدا سوگند، معاویه زیرک تر از من نیست، لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نمی‌نمود، زیرکتر از من کس نبود." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

۵.۵ اهداف برقراری ارتباط امام با مخالفان

با عنایت به اینکه امام علی(ع) در طول حکومتشان با مخالفان عدیده‌ای مواجه بوده‌اند، شاید به نظر برسد که ایشان می‌بایست به محض تخلف و عدم تمکین ایشان، قاطعانه برخورد کرده و به جنگ با آنها پردازند. اما هدف امام، چیزی فراتر از نابودی مخالفان است، ایشان در وهله اول تمام تلاششان، هدایت گمراهان و رهنمون ساختن آنها به سوی حق است. به طوری که جنگ و پیکار، در آخرین مرحله قرار داشته است، حتی تا

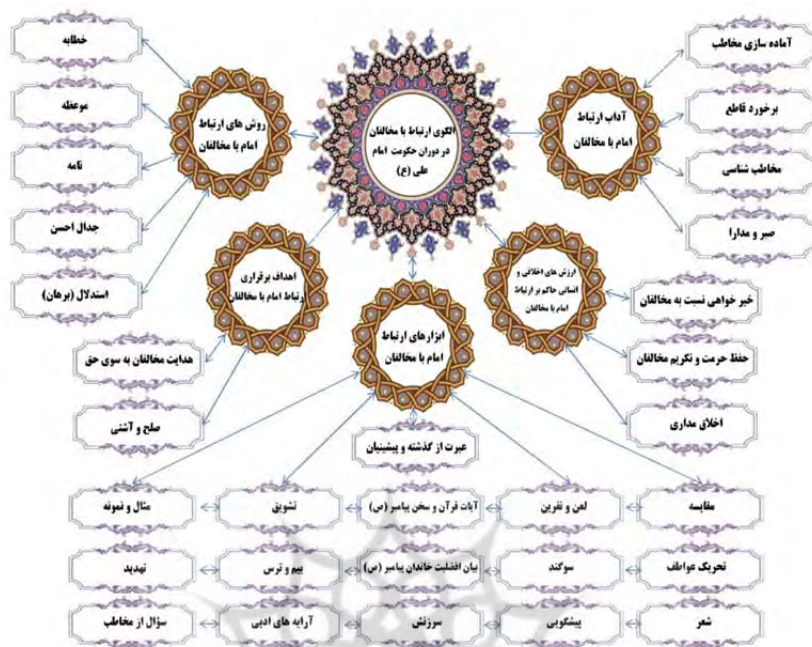
پیش از آغاز جنگ نیز دست از ارشاد و هدایت برنمی‌داشتند و به انحاء مختلف، یا جنگ را به تأخیر می‌انداختند و یا با ایراد خطبه و ارسال نامه، سعی در پیشگیری از جنگ و برقراری صلح داشتند.

هدف امام علی(ع)، از برقراری ارتباط با مخالفان، هدایت و ارشاد آنها به سوی حق و حقیقت بوده است و مکرراً در خطابه و نامه‌هایشان آنها را به سوی تقوا و پیروی نکردن از شیطان و هوی و هوس رهنمون می‌شدند. در نامه ۱۰ خطاب به معاویه می‌فرمایند:

پس از این کار دست بازدار و برگ روز حساب فراهم آر. و آماده باش چیزی را که به سروقت تو آید، و مشنوا از گمراهان آن را که نشاید، و گر نکنی تو را بی‌گناهانم و از غفلتی که در آن به سر می‌بری واقفت گردانم. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۷۷).

امام علی(ع)، همیشه در پی صلح و برقراری آشتی بودند و به هر شیوه ممکن سعی داشتند از جنگ و خونریزی جلوگیری کنند. گواه این ادعا نیز این است که همیشه به یاران خویش می‌فرمودند، آغازگر جنگ نباشند، و سعی می‌کردند با موعظه و ارشاد و سایر روش‌های ارتباطی، صلح و آشتی برقرارکنند. در خطبه ۲۰۶ ایشان خطاب به یارانشان می‌فرمایند:

"به جای دشنام بگویید، خدایا ما و آنان را از کشته شدگان برهان! و میان ما و آنان سازش قرار ده." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۴۰).



۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال استخراج الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی (ع) بوده است. از آنجایی که یافتن شیوه برقراری ارتباط صحیح با مخالفان، در جامعه‌ای شیعی مانند ایران، که سعی دارد اساس تعاملات و ارتباطات خود را بر مبنای تأسی از رفتار و کردار پیشوایان دینی خود قرار دهد، ضروری می‌نماید، از این رو محقق بر آن شد تا با سیری در زندگانی پیشوایان دینی با تأکید بر سیره‌ی امام علی (ع) و چگونگی ارتباط ایشان با مخالفانشان، به این مهم نائل آید. با عنایت به اینکه امام علی (ع) اولین پیشوای مسلمانان، در طی خلافت کوتاه مدتشان که حدود پنج سال به طول انجامید، با مخالفان متعددی روبرو شدند، سیره عملی آن امام بزرگوار مورد تحلیل در این پژوهش قرار گرفت. از این رو خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه که در رابطه با مخالفان بود، مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت که در پی آن، ۵ مقوله اصلی به دست آمد که در واقع الگوی ارتباط با مخالفان در نظام حکومتی امام علی (ع) را به دست می‌دهد. این پنج مقوله به شرح زیر است:

الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع) ... ۱۴۷

- روش های ارتباط امام با مخالفان که در برگیرنده مقوله های فرعی (خطابه، موعظه، جدال احسن، استدلال و نامه) می باشد
- ابزارهای ارتباط امام با مخالفان که شامل مقوله های فرعی (آرایه های ادبی، آیات قرآن و سخن پیامبر(ص)، شعر، مثال و نمونه، بیم و ترس، تهدید، تشویق، سؤال از مخاطب، بیان سرگذشت پیشینیان، بیان افضلیت خاندان پیامبر(ص)، مقایسه، لعن و نفرین، پیشگویی، سرزنش، سوگند و تحریک عواطف) است.
- آداب ارتباط امام با مخالفان که مقوله های فرعی (آماده سازی مخاطب، مخاطب شناسی، برخورد قاطع و صبر و مدارا) را شامل می گردد.
- ارزشهای اخلاقی و انسانی حاکم بر ارتباط امام با مخالفان که مشتمل بر مقوله های فرعی (خیرخواهی نسبت به مخالفان، تکریم و حفظ حرمت مخالفان و اخلاق مداری) می باشد.
- اهداف ارتباط امام با مخالفان که مقوله های فرعی (هدایت گمراهان به سوی حق و صلح و آشتی) را در بر می گیرد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.
- ادانل، ویکتوریا؛ جاوت، گارث (۱۳۹۴). *تبلیغات و اقناع* (حسین افخمی، مترجم)، تهران: ساختمان موسسه همشهری.
- اسدی، علی (۱۳۷۱). *افکار عمومی و ارتباطات*، تهران: انتشارات سروش.
- البرز، پرویز (۱۳۸۱). *گامی در قلمرو شعر و موسیقی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات آن.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۳۸۳). *مختصر المعانی*، بیروت: دارالفکر.
- الهامی نیا، علی اصغر (بی تا). *تبلیغ در قرآن*، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- برکو، ری ام؛ ولوین، آندرو دی؛ ولوین، دارلین ار (۱۳۹۳). *مدیریت ارتباطات* (محمد اعرابی و داود ایزدی، مترجمان)، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بلیک، رید؛ هارولدسن، ادوین (۱۳۹۰). *طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات* (مسعود اوحدی، مترجم)، تهران: انتشارات سروش.
- ثروت، منصور (۱۳۶۴). *فرهنگ کنایات*، چاپ دوم، تهران: چاپخانه سپهر.

حکیم آرا، محمد علی (۱۳۹۲). *ارتباط متقاعد گرایانه در تبلیغ*، تهران: انتشارات سمت.
دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). *سیری در تربیت اسلامی*، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
سید رضی (۱۳۷۸). *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
عباس زاده، محمد (۱۳۹۱). «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، شماره ۴۵.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۷). *مبانی ارتباطات انسانی*، جلد اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
قاضی زاده، علی اکبر (۱۳۸۰). «ملاحظات در باب مخاطب و ویژگی های فردی و اجتماعی آن»، تهران: *فصلنامه پژوهش و سنجش*.

قائدی، محمد رضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). «روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی»، *روش ها و مدل های روان شناختی*، سال هفتم، شماره ۲۳.

قرائتی، محسن (۱۳۷۷). *قرآن و تبلیغ*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کزازی، میر جلال الدین (۱۳۸۱). *بیان (۱) زیبایی‌شناسی سخن پارسی*، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). *اصول کافی* (جواد مصطفوی، مترجم)، جلد اول، انتشارات: ولی عصر.

گیل، دیوید؛ آدمز بریجت (۱۳۸۴). *الغای ارتباطات* (رامین کریمیان، مه‌ران مهاجر، محمد نبوی، مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۰). *ارتباط شناسی*، تهران: انتشارات سروش.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). *تبلیغ بر پایه قرآن*، حدیث و تاریخ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

همایی، جلال الدین (۱۳۷۰). *فنون بلاغت و صناعت ادبی*، تهران: انتشارات هما.
هولستی، ال - آر (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، (نادر سالار زاده امیری، مترجم)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

Berlo, David, (1960), *The Process Of Communication*, Michigan State University New York. (pp 61-62).

Burns N, Grove Sk. (2007). *The Practice of Nursing Research* 4th ed. Philadelphia

Eio, satu & Kyngas, Helvi (2007). *The Qualitative Content Analysis process*. Journal of a Advanced Nursing.

Krippendorff, k. (2004) *Content Analysis: An Introducron to its Methodology*, London: sage.